

## رابرت وانوی، مبانی پیشگویی کتاب مقدس، سخنرانی ۱۴

دستورالعمل‌هایی برای تفسیر نبوت

دستورالعمل‌هایی برای تفسیر نبوت

یک تحلیل دقیق دستوری، تاریخی و بافتاری از متن انجام دهید. ۱.

ما در مورد «راهنمای تفسیر نبوت» بحث کرده‌ایم. ۱. در ذیل آن، «تحلیل دقیق دستوری-تاریخی-زمینه‌ای متن» آمده است. این چیزی نیست که منحصر به گفتارهای نبوی یا وظیفه تفسیر باشد. من فکر می‌کنم این وظیفه اساسی و بنیادی مفسر است. شما ابتدا باید معنای کلمات، زبان مورد استفاده، مطالعه کاربرد کلمات در جاهای دیگر و سپس رابطه‌ای که کلمات با یکدیگر دارند را درک کنید. در آن مرحله به ساختارهای دستوری می‌رسید. اما فراتر از آن، باید به پیشینه تاریخی پیامبر و مردمی که پیامبر با آنها صحبت کرده است، نگاه کنید. ما باید به زمینه آنچه در ادامه می‌آید و همچنین زمینه آنچه در ادامه می‌آید و جریان فکری در کتابی که نبوت بخشی از آن است، نگاه کنیم. من فکر می‌کنم این مانند امواج در یک برکه عمل می‌کند. شما به کل مجموعه کتاب مقدس نگاه می‌کنید، جایی که به زمینه نزدیک به متن نگاه می‌کنید و سپس به زمینه بزرگتر تا کل زمینه کتاب مقدس می‌رسید. در صورت وجود هرگونه متن موازی، باید به آن مراجعه شود. بنابراین، این موارد کاملاً اساسی است.» که همه شما با آن آشنا هستید.» یک تحلیل دقیق دستوری، تاریخی و زمینه‌ای از متن انجام دهید

۲. صریحاً بیان کنید که متن به چه کسی یا چه چیزی اشاره دارد.

صریحاً بیان کنید که متن به چه کسی یا چه چیزی اشاره دارد. «می‌توانیم سوالاتی مانند «آیا پیام ۲. مربوط به شنونده یا خواننده‌ای است که خطاب به او است، یا اینکه درباره شخص دیگری به آنها اعلام می‌کند؟» پرسیدن این سوال می‌توانیم تعیین کنیم که آیا یک متن اساساً پیشگویانه است یا تعلیمی. اگر تعلیمی است و پیامبر صرفاً به کسانی که با آنها صحبت می‌کند، حقیقت مهمی را که خطاب به آنهاست و ممکن است برای ما کاربرد داشته باشد، آموزش می‌دهد. آیا او چیزی به آنها می‌گوید یا درباره شخص دیگری است؟ در این صورت، ممکن است پیشگویانه باشد یا به نوعی با عناصر پیشگویانه آمیخته شده باشد. ما باید این موضوع را بررسی کنیم. آیا متن پیشگویانه است؟ اگر پیشگویانه است، آیا شرایطی وجود دارد؟ این ممکن است در نحوه جستجوی تحقق آن مهم باشد. ممکن است شرطی وجود داشته باشد که بیان نشده باشد، اما باید آن سوال را پرسید. اگر پیشگویانه است، آیا تحقق یافته است یا تحقق نیافته است؟ در اینجا فکر می‌کنم شما در ابتدا با جستجوی تحقق در جای دیگری از کتاب مقدس به این سوال پاسخ می‌دهید. شما تعداد زیادی پیشگویی در عهد عتیق دارید که در دوره عهد عتیق به وقوع پیوسته‌اند. پیشگویی‌های دیگری نیز در عهد عتیق دارید که در دوره عهد جدید به وقوع پیوسته‌اند. البته، پیشگویی‌هایی دارید که در زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، در زمان کلیسا، به وقوع پیوسته‌اند، یا ممکن است

پیشگویی‌هایی داشته باشید که هنوز به وقوع نپیوسته‌اند اما منتظر زمان روز خداوند هستید. بنابراین، باید این موضوع را بررسی کنید. اگر پیشگویی است، آیا به وقوع پیوسته است یا محقق نشده است؟

به استنادهای مربوط به تحقق پیشگویی‌ها توجه کنید. ۳.

این ما را به مورد ۳ می‌رساند، «به نقل قول‌های تحقق توجه کنید». منظورم این است که عبارات خاصی در عهد جدید وجود دارند که ممکن است اشاره‌گر یا کمکی برای گفتن این باشند که این یک پیشگویی است که به طور خاص تحقق می‌یابد. چیزی که من در ذهن دارم عباراتی مانند «باشد که تحقق یابد» است. بدون شک با آن نقل قول تحقق مواجه شده‌اید. وقتی آن را می‌بینید، فکر می‌کنم معمولاً اگر به همه کاربردها نگاه کنید، کاملاً با تحقق مورد نظر مشخص است. یک پیشگویی وجود دارد که در اینجا تحقق می‌یابد. با این حال، یک شرط؛ در برخی موارد، آن عبارت ممکن است به عنوان اشاره به رابطه تصویر یا شباهت در کلمات یا ایده‌ها در جایی که یک عبارت عهد عتیق به خودی خود پیش‌بینی‌کننده نبوده است، در نظر گرفته شود.

فکر می‌کنم اگر به چند مثال نگاه کنید، این موضوع روشن می‌شود. اگر به متی الف (متی ۱:۲۲ - اشعیا ۷:۱۴) نگاه کنید، در آنجا این جمله را می‌بینید: «همه اینها رخ داد تا آنچه خداوند از طریق پیامبر گفته بود، به ۱:۲۲ انجام رسد؛ باکره آبستن شده پسری به دنیا خواهد آورد و عمانوئیل نامیده خواهد شد، که به معنی خدا با ماست.» این جمله از اشعیا ۷:۱۴ است که در اینجا به مریم که به وسیله روح القدس باردار شد، اطلاق می‌شود و او باکره‌ای است که باردار شد و پسری به دنیا آورد. در اینجا تحقق پیشگویی اشعیا ۷:۱۴ را می‌بینید. این کاملاً مشخص است.

در متی ۸:۱۷، پس از شفای برخی از مردم توسط عیسی، می‌خوانید: «این بود ب. متی ۸:۱۷ - اشعیا ۵۳:۴ تا آنچه از طریق اشعیا نبی گفته شده بود، به انجام رسد، او ضعف‌های ما را برداشت و بیماری‌های ما را حمل کرد.» اشعیا ۵۳:۴. این جمله به تحقق می‌پیوندد، زیرا اوج آن مجموعه از عبارات در مورد بنده خداوند است.

در متی ۱۲:۱۷ آمده است: «این بود تا آنچه از طریق اشعیا نبی گفته شده بود، ج. متی ۱۲:۱۷ - اشعیا ۴۲:۱-۴. به انجام رسد: این است بنده من که او را برگزیده‌ام و از او خشنودم. روح خود را بر او خواهم نهاد و او عدالت را به امت‌ها اعلام خواهد کرد. او نزاع نخواهد کرد و فریاد نخواهد زد و هیچ‌کس صدای او را در کوچه‌ها نخواهد شنید. نی شکسته را نخواهد شکست و فتیله نیم‌سوخته را خاموش نخواهد کرد تا عدالت را به پیروزی برساند و امت‌ها به نام او امید خود را خواهند داشت.» این نقل قولی از یکی دیگر از آن متون مربوط به خدمتگزاران است، مانند قبل، از اشعیا ۴۲:۱-۴.

در متی ۲۱:۴، «این واقع شد تا آنچه به زبان نبی گفته شده بود، به انجام رسد» د. متی ۲۱:۴ – زکریا ۹:۹ و نقل قول از زکریا ۹:۹ است: «به دختر صهیون بگویند، ببینید که پادشاه شما نزد شما می‌آید، آرام و سوار بر الاغ، بر کره الاغ» بنابراین معمولاً متوجه خواهید شد که این یک نشانه کاملاً مشخص است که این تحقق یک پیش‌بینی از پیش داده شده است.

با این حال، گاهی اوقات بیشتر شبیه یک رابطه یا به عنوان مثال، یعقوب ۲۱:۲-۲۳ – پیدایش ۱۵:۶ تصویرسازی از کلمات یا ایده‌های مشابه یک عبارت عهد عتیق است که یک عبارت پیشگویانه نبوده است. به یعقوب ۲۱:۲-۲۳ نگاه کنید، جایی که این عبارت را می‌یابید: «آیا جد ما ابراهیم به خاطر کاری که انجام داد، وقتی پسرش اسحاق را به قربانگاه تقدیم کرد، عادل شمرده نشد؟ می‌بینید که ایمان و اعمال او با هم کار می‌کردند و ایمان او با کاری که انجام داد کامل شد. و کتاب مقدس که می‌گوید، به حقیقت پیوست» و در اینجا از پیدایش نقل قول می‌کند: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او عدالت محسوب شد، و او دوست خدا نامیده شد» ۱۵:۶. اگر به پیدایش ۱۵:۶ مراجعه کنید، این بعد از آن است که خداوند به ابراهیم گفت که الیعازر وارث او خواهد بود، بلکه پسر خودش وارث او خواهد بود و گفت: «به آسمان نگاه کن تا ستارگان را بشماری، اگر می‌توانی آنها را بشماری» و سپس به او گفت: «نسل تو نیز چنین خواهند بود» سپس آیه ۶ می‌گوید: «ابراهیم به خداوند ایمان آورد و او آن را برای او عدالت شمرد» پیش‌بینی این جمله دشوار است، اما به سادگی تأکیدی بر ایمان ابراهیم و اهمیت آن وجود دارد.

بنابراین وقتی به کاربرد «تحقق» در یعقوب ۲۳:۲ می‌رسیم، با ارجاع به آن آیه در پیدایش ۱۵:۶، فکر می‌کنم باید بگوییم که این بیشتر یک فرمول استناد در این مرحله است تا اینکه نشان دهنده پیشگویی و تحقق باشد. مقاله‌ای در کتابشناسی شما تحت این عنوان از آر. لیرد هریس وجود دارد. این مقاله در صفحه ۱۱ کتابشناسی شما با عنوان «نبوت، تصویرسازی و گونه‌شناسی» در تفسیر تاریخ، جلدی که به افتخار دکتر آلن مکری، بنیانگذار این مکتب، در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، آمده است. او از همان عبارتی که من الان استفاده کردم، «فرمول استناد» برای ارجاعاتی مانند این استفاده می‌کند.

مورد مشابهی در متی ۱۸:۲-۱۷ وجود دارد، جایی که می‌خوانید: و متی ۱۷:۲-۱۸ – ارمیا ۳۱:۱۵. آنگاه آنچه از طریق ارمیای نبی گفته شده بود، به حقیقت پیوست: صدایی در رامه شنیده شد، گریه و زاری و «ماتم عظیم، راحیل برای فرزندان گریه می‌کند و تسلی نمی‌یابد زیرا دیگر نیستند» و این همان ارمیا ۳۱:۱۵ است. اگر به ارمیا ۳۱:۱۵ برگردید، خواهید خواند: «صدایی در رامه شنیده شد، گریه و ماتم عظیم؛ راحیل برای فرزندان گریه می‌کند و تسلی نمی‌یابد زیرا دیگر فرزندان نیستند» در متن، این به گریه در مورد تبعیدیان

اسارت بابل اشاره دارد

این یک جمله پیشگویانه نیست، اما هم یعقوب ۲۱:۲-۲۳ و هم متی ۱۷:۲-۱۸ در اشاره فرمول استناد به پلرونو. به این دو متن عهد عتیق که متون «پیشگویانه» نبودند، از فعل **پلرونو** برای اشاره به آنها استفاده می‌کنند. آیا این بدان معناست که آنها به اشتباه به عنوان پیشگویی ذکر شده‌اند؟ یا به این معنی است که روش تفسیر متی نامشروع بوده است؟ این چیزی است که هریس پیشنهاد می‌کند، او می‌گوید که مشکل ناشی از ترجمه **پلرونو** به عنوان تحقق یافته «است. مطمئناً این معنی در بسیاری از زمینه‌ها وجود دارد. اما آنچه هریس استدلال می‌کند این است» که همیشه به معنای «تحقق یافته» است، چندان قطعی نیست و گاهی اوقات به نظر می‌رسد که به عنوان یک فرمول استناد استفاده می‌شود، نه یک فرمول پیش‌بینی تحقق یافته. این کاربرد گسترده‌تر را باید در نظر داشت، اما معمولاً به نوعی در **اینجا آمده است**. چه زمانی نبوت پیشگویانه است، اما باید مراقب باشید

**است**، "نوشته شده است." باز هم، این نیز اغلب *Gegraptai* فرمول دوم *Gegrapti* ح. فرمول استناد نشان دهنده تحقق است. با این حال، گاهی اوقات به سادگی به عنوان مرجع استفاده می‌شود. در مرقس ۱:۲ تحقق وجود دارد، "در اشعیا نبی نوشته شده است" و سپس نقل قولی از اشعیا ۴۰:۳: "من رسول خود را پیشاپیش شما خواهم فرستاد، که راه شما را آماده خواهد کرد. صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند": راه را برای خداوند آماده کنید، راه‌های او را راست کنید." بنابراین یحیی آمد، بنابراین، در آن آیه تحقق وجود دارد. اشاره‌ای در متی ۴:۴؛ عیسی پاسخ داد: **نوشته شده است**: "انسان نه تنها به نان زندگی می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان" خدا صادر شود." این نقل قولی از تثنیه ۸:۳ است که یک عبارت پیشگویانه نیست، اما یک استناد ارائه می‌دهد.

لگو. i.

بیا بید به سراغ اشکال **لگو برویم** (من می‌گویم). وقتی به خودی خود می‌آید، معمولاً نشان‌دهنده یک اشاره تاریخی است، نه نبوت و تحقق. به متی ۲۲:۳۱ نگاه کنید، «اما درباره رستاخیز مردگان، آیا آنچه را که خدا به شما گفت **نخوانده‌اید**؟» و سپس نقل قولی از خروج ۳:۶ وجود دارد: «من خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم. او خدای مردگان نیست، بلکه خدای زندگان است.» این صرفاً اشاره‌ای به متنی از عهد عتیق است. اعمال ۷:۴۸، «با این حال، خدای متعال در خانه‌های ساخته شده توسط انسان ساکن نیست، همانطور که پیامبر می‌گوید.» سپس نقل قول، اشعیا ۱:۶۶ است: «خداوند می‌گوید: آسمان تخت من و زمین کرسی زیر پای من است. خانه‌ای که برای من خواهید ساخت کجاست؟ محل استراحت من کجا خواهد بود؟» این یک جمله پیشگویانه نیست. بنابراین همه اینها تحت ۳ است. به نقل قول تحقق توجه کنید «آنها مطمئناً در اشاره‌ها و

شناسایی بخش‌های پیش‌بینی‌کننده، یک نقطه تحقق، کمک خواهند کرد، اما باید مراقب آن باشید.

از ایده تحقق مضاعف یا ارجاع مضاعف خودداری کنید. ۴.

از ایده تحقق دوگانه یا ارجاع دوگانه اجتناب کنید «من فکر می‌کنم وقتی به دنبال تحقق یک» ۴، پیشگویی هستید، خوب نیست که ایده ارجاع دوگانه یا معنای دوگانه را به عنوان یک اصل اساسی هرمنوتیکی اتخاذ کنید. به عبارت دیگر، ما نباید به دنبال ارجاع دوگانه باشیم. نباید فرض کنید که پیشگویی داده شده ممکن است به دو یا چند رویداد مختلف در یک زمان با کلمات یکسان اشاره داشته باشد. اگر این کار را انجام دهید، به این معنی است که فرض می‌کنید کلمات یکسان در یک زمینه ممکن است معانی متعددی داشته باشند. من فکر می‌کنم از نظر هرمنوتیکی این یک چیز خطرناک است که بگوییم کلمات یکسان و یک زمینه دارای معانی متعددی هستند، مگر اینکه نوعی دوگانگی وجود داشته باشد، اما این یک قاعده کلی هرمنوتیک نیست. ما از زبان به این شکل استفاده نمی‌کنیم. معمولاً وقتی جمله‌ای بیان می‌شود، یک معنای خاص وجود دارد که توسط آن جمله حمل می‌شود و این معنایی است که توسط کسی که آن را می‌شنود، درک می‌شود. من فکر می‌کنم این مفهوم در مورد همه جملات کتاب مقدس نه فقط پیشگویی‌ها، بلکه مطمئناً در مورد اشکال پیشگویی نیز صدق می‌کند. شما به دنبال معنای واحد هر جمله هستید، شما به دنبال معانی متعدد یا معانی چندگانه جملات کتاب مقدس نیستید.

به صفحه ۲۸ در بخش ارجاعات خود در ذیل دوایت پنطیکاست که الف (دوایت پنطیکاست - ارجاع مضاعف کتابی در مورد آخرالزمان به نام «چیزهای آینده» نوشته است و در آن از «قانون ارجاع مضاعف» صحبت می‌کند، نگاه کنید. از دیدگاه او، «در تفسیر کتاب مقدس نبوی، رعایت قوانین کمی مهم‌تر از قانون ارجاع مضاعف است. دو رویداد که زمان وقوعشان بسیار از هم فاصله دارد، می‌توانند در محدوده یک پیشگویی گرد هم آیند. این کار به این دلیل انجام شد که پیامبر هم برای زمان خود و هم برای زمان آینده پیامی داشت. با آوردن دو رویداد بسیار جدا از هم در محدوده پیشگویی، هر دو هدف می‌توانست محقق شود.» سپس او در اینجا از مرد دیگری به نام هورن نقل قول می‌کند: «پیشگویی‌های یکسان اغلب معنای دوگانه‌ای دارند و به رویدادهای مختلف اشاره می‌کنند، یکی نزدیک، دیگری دور؛ یکی موقتی، دیگری معنوی یا شاید ابدی. بنابراین، پیامبرانی که چندین رویداد را در نظر دارند، عبارتشان ممکن است تا حدی برای یکی و تا حدی برای دیگری قابل اجرا باشد. انجام این گذار همیشه آسان نیست. آنچه در اولی محقق نشده است، باید برای دومی اعمال کنیم و آنچه قبلاً محقق شده است، اغلب می‌تواند نمونه‌ای از آنچه هنوز باید انجام شود، در نظر گرفته شود.»

حالا اینکه چطور این را بفهمید، باید به متون خاص نگاه کنید، اما این مفهوم است. اگر به نوشته‌ی بعدی اریک ساور در صفحه‌ی ۲۹ مراجعه کنید، ساور می‌گوید: «همه چیز از نظر تاریخی مشروط و در عین حال با ابدیت در هم تنیده شده است. همه چیز همزمان انسانی و الهی، موقتی و فرامادی است.» و در مورد انبیاء، «آنها

از بازگشت از بابل صحبت می‌کنند و همزمان وعده‌ی گردهمایی اسرائیل در آینده‌ی نامعلوم را می‌دهند که پادشاهی صلح را آغاز می‌کند (اشعیا ۱۱:۱۶-۱۱:۱۶). (ما همین الان در مورد اشعیا ۱۱:۱۶-۱۱:۱۶ صحبت کردیم. می‌بینید که او چه می‌گوید این است که نبوت در مورد بازگشت از تبعید صحبت می‌کند. اما در عین حال و با همان کلمات، از پادشاهی صلح در آینده - آخرالزمانی - نیز صحبت می‌کند. این کلمه دو معنی، دو ارجاع، برای همان کلمات دارد.

در جلدی با عنوان *مقدمه‌ای بر در کتاب «تفسیر کتاب مقدس»* نوشته کلاین، بلومبرگ و هابارد که در سال ۱۹۹۳ توسط انتشارات ورد منتشر شد، آنها می‌گویند: «ما باید یک ویژگی دوم به نبوت اضافه کنیم: ممکن است دو تحقق داشته باشد، یکی نزدیک به عمر پیامبر و دیگری مدت‌ها پس از آن.» وقتی به یک نبوت نگاه می‌کنید و تحقق آن را درخواست می‌کنید، یکی در آینده نزدیک‌تر و دیگری در آینده دورتر وجود دارد. همه آنها در یک جمله ذکر شده‌اند. افراد زیادی وجود دارند که استدلال می‌کنند این اصل، یا همانطور که پنطیکاست آن را «قانون ارجاع دوگانه» می‌نامد، اصلی است که باید در تفسیر اظهارات نبوی مورد استفاده قرار گیرد - به دنبال ارجاعات متعدد باشید.

چیزی که من پیشنهاد می‌کنم این است که فکر نمی‌کنم این معتبر باشد. این به نحوه عملکرد زبان ب. پاسخ وانوی برمی‌گردد. آیا ما از زبان استفاده می‌کنیم تا کلمات و زمینه یکسانی داشته باشیم اما دو چیز متفاوت بگوییم؟ اگر به تاریخ تفسیر برگردیم، لوتر و کالوین به شدت علیه آن استدلال می‌کنند، اما البته آنها علیه پیشینه تفسیر تمثیلی استدلال می‌کنند، جایی که معانی متعددی وجود دارد. آنها اصرار داشتند که اولین وظیفه یک مفسر، رسیدن به معنای متن مورد نظر نویسنده آن است. لوتر گفت: «فقط معنای واحد، مناسب و اصلی، معنایی که متن به آن نوشته شده است، متکلمان خوبی را می‌سازد. روح القدس ساده‌ترین نویسنده و گوینده در آسمان و زمین است. بنابراین کلمات او نمی‌توانند چیزی بیش از یک معنای واحد و ساده داشته باشند، که ما آن را معنای مکتوب یا «معنای تحت‌اللفظی گفته شده می‌نامیم».

در اعترافنامه‌ی ایمان وست‌مینستر، فصل ۱، بخش ۹، جمله‌ی جالبی درباره‌ی کتاب مقدس و تفسیر آن وجود دارد و می‌خواهم چند جمله‌ی کوتاه برایتان بخوانم: «قاعدگی مصون از خطا در تفسیر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است؛ و بنابراین، وقتی درباره‌ی معنای درست و نادرست هر متنی سؤال می‌شود «و سپس یک جمله‌ی داخل پرانتز وجود دارد که همان چیزی است که می‌خواستیم به آن برسیم): «که چندگانه نیست، بلکه یکی است»، می‌توان آن را توسط جاهای دیگری که واضح‌تر صحبت می‌کنند، جستجو و شناخت.» بنابراین می‌بینید نکته‌ای که اینجا مطرح می‌شود این است که تفسیر برخی از قسمت‌ها واضح‌تر است. شما از واضح‌تر برای کمک به قسمت‌های کمتر واضح استفاده می‌کنید. اما در متن بیان این جمله، آن جمله‌ی داخل پرانتز وجود دارد: «وقتی درباره‌ی معنای درست و نادرست هر متنی (که چندگانه نیست، بلکه یکی است) سؤال می‌شود،

می‌توان آن را توسط جاهای دیگری که واضح‌تر صحبت می‌کنند، جستجو و شناخت «من فکر می‌کنم این یک اصل هرمنوتیکی مهم است.

به استنادات صفحه ۲۵ خود نگاه کنید. این از کتاب جان برایت، ج. سطوح مختلف معنا از نظر جان برایت مرجعیت عهد عتیق، گرفته شده است. او می‌گوید: «به طور کلی اعتقاد بر این بود که کتاب مقدس سطوح مختلفی از معنا دارد. اوریگن یک معنای سه‌گانه مطابق با سه‌گانه مفروض طبیعت انسان داشت: بدن، روح و روان. یک معنای تحت‌اللفظی یا جسمانی (یعنی آنچه کلمات به معنای ساده خود می‌گویند)، یک معنای اخلاقی یا استعاری (یعنی معنایی مجازی از روح مسیحی که بدین ترتیب تهذیب و راهنمایی برای رفتار ارائه می‌دهد) و یک معنای معنوی یا عرفانی وجود داشت. بعداً، یک معنای چهارم نیز اضافه شد «این همان چیزی است که اصلاح‌طلبان و اعتراف‌نامه وست‌مینستر به آن پاسخ می‌دهند، معنای چهارم، «معنای آناگورثیک یا فرجام‌شناختی. «بنابراین، برای مثال کلاسیک، کلمه «اورشلیم» در قرون وسطی به چهار معنا فهمیده می‌شد: به معنای واقعی کلمه به آن شهر با این نام در یهودا، به معنای مجازی به روح مسیحی وفادار، به معنای تمثیلی عرفانی (به کلیسای مسیح و به معنای قیاسی به شهر آسمانی خدا که خانه ابدی ماست، اشاره داشت. فهم این کلمه در هر چهار معنا در یک متن واحد، هرچند نه ضروری، امکان‌پذیر بود.

بنابراین شما ارجاع دوگانه ندارید، بلکه ارجاع چهارگانه دارید». اما تمایل بر این بود که به معنای تحت‌اللفظی بسیار کمتر از معنای معنوی اهمیت داده شود، زیرا معنای واقعی متن معنوی است. در واقع، برخی از متون مقدس - آنطور که تصور می‌شد - را نمی‌توان به معنای واقعی تفسیر کرد، زیرا از چیزهایی می‌گوید که غیر اخلاقی و بنابراین شایسته خدا نیستند (زنا، زنا با محارم، قتل و غیره)، و بسیاری از متون مقدس، اگر به معنای واقعی کلمه در نظر گرفته شوند، بسیار ابتدایی یا بسیار پیش پا افتاده هستند تا بتوانند وسیله مناسبی برای وحی الهی باشند (شجره‌نامه‌های طولانی، قوانین قربانی حیوانات، ابعاد یک خیمه و غیره). (چنین متونی معنای واقعی خود را تنها زمانی به دست می‌دهند که به صورت معنوی تفسیر شوند «وقتی تمثیل می‌زنید، معنای معنوی را به این نوع متون می‌بخشید». نتیجه، تمثیل‌سازی بی‌قید و شرط کتاب مقدس، به‌ویژه عهد عتیق بود... اما سیل تفاسیر خیالی همچنان بی‌وقفه از منبر و میز مدرسان جاری بود. معنای‌ای که می‌توانست از کتاب مقدس به دست آید، محدود بود، و این محدودیت‌ها را می‌توان به حق احساس کرد، و تنها به نبوغ مفسر بستگی داشت «اگر فرد بسیار باهوشی باشید، می‌توانید انواع معانی را در هر جمله‌ای پیدا کنید». هرچه تناقضات آنها ممکن بود باشد) و گاهی اوقات متناقض بودند، هر دو اصلاح‌طلب بزرگ [لوتر و کالوین] تمثیل را اساساً رد کردند - بارها و بارها و با شدیدترین زبان. در فصل قبل، از لوتر و کالوین نقل قول شد که اصرار داشتند وظیفه مفسر رسیدن به معنای «ساده متن مورد نظر نویسنده است»

اکنون این موضوع به عنوان «نیت نویسنده» شناخته می‌شود و به یک مسئله د. نیت نویسنده و معنای واحد بحث برانگیز تبدیل شده است. شما تا کجا پیش می‌روید؟ والتر کایزر مطالب زیادی در این مورد نوشته است و فکر می‌کند تنها تفسیر مشروع، تفسیری است که نویسنده در نظر داشته است. من با آنچه او سعی در انجام آن دارد موافقم و مطمئناً این تفسیر درست است. فکر می‌کنم چیزی که او در نظر نمی‌گیرد این است که در کتاب مقدس بیش از یک نویسنده وجود دارد. به این معنا که یک نویسنده انسانی وجود دارد، اما روح القدس نیز بر آنچه نویسنده انسانی نوشته و گفته است، نظارت دارد. من فکر می‌کنم این امکان وجود دارد که نویسنده انسانی بتواند به اصطلاح «بهتر از آنچه می‌دانست» صحبت کند. به عبارت دیگر، او می‌توانست چیزهایی بگوید که خودش به آنها اعتقاد نداشت یا آنها را درک نمی‌کرد و بنابراین قصد او نبود. با این حال، این کار توسط روح القدس که به مسائلی می‌پرداخت که فراتر از درک کامل پیامبر بود، نظارت می‌شد. بنابراین من یک قید و شرط در اینجا قرار می‌دهم، اما این در را برای جستجوی گسترده معانی متعدد در هر عبارت کتاب مقدس باز نمی‌کند. برایت می‌گفت: «وظیفه مفسر است که به معنای ساده متن مورد نظر نویسنده آن دست یابد. نقل قول‌های مشابهی که در آنها تحقیر خود را نسبت به تمثیل ابراز می‌کردند، تقریباً به دلخواه می‌توانستند القا شوند. لوتر، که واژگانش به هیچ وجه فقیر نبود، به ویژه واضح است. او اعلام می‌کند که تمثیل‌های اورینگن «ارزش این همه کثیفی را ندارند». «او تمثیل را به طرق مختلف» تفاله کتاب مقدس»، «فاحشه» برای اغوا کردن ما، «بازی میمون»، چیزی که کتاب مقدس را به «بینی از موم» (تبدیل می‌کند) یعنی می‌تواند به هر شکل دلخواه پیچیده شود، وسیله‌ای که شیطان با چنگال خود به آن حمله می‌کند، می‌نامد. او) در تفسیر مز مور ۲۲ (اعلام می‌کند که کتاب مقدس جامه مسیح است و تمثیل آن را به پاره و پاره «تبدیل می‌کند. او فریاد می‌زند»: چگونه می‌توانید ایمان را با قطعیت آموزش دهید در حالی که «معنای کتاب مقدس را نامشخص می‌کنید؟ «کالوین به همان اندازه سخت‌گیر است. او بیش از یک بار تفاسیر تمثیلی را اختراع شیطان برای تضعیف اقتدار کتاب مقدس می‌نامد. در جای دیگر، آنها را «بچه‌گانه»، «بعید» توصیف می‌کند و اعلام می‌کند که بهتر است به جهل خود اعتراف کنیم تا اینکه در چنین «حدس‌های بی‌معنی» غرق شویم. او اعلام می‌کند که مفسر باید معنای ساده را در نظر بگیرد و مشخص نیست که آیا او باید تفسیری را اتخاذ کند که «به بهترین وجه با متن مطابقت داشته باشد».

بنابراین، اصلاح‌طلبان در مورد این سوال که آیا معنای یا معانی متعددی در اصلاح‌طلبان و معنای واحد ۱. عبارات کتاب مقدس وجود دارد که آنها رد می‌کنند، در نظرات خود بسیار قوی هستند. اما این مسئله از بین نرفته است. برنارد رام و کتابش در مورد تفسیر می‌گوید: «یکی از مداوم‌ترین گناهان هرمنوتیکی، قرار دادن دو تفسیر بر یک متن از کتاب مقدس است که قدرت معنای تحت‌اللفظی را می‌شکند و کلام خدا را مبهم می‌کند.» اگر خواهیم این را بفهمیم، به صفحه ۲۷ زیر نظر جی. بارتون پین از *دایره‌المعارف پیشگویی کتاب مقدس* / *او نگاه می‌کنیم*. او در بخش مقدماتی خود می‌گوید: «دو جنبش مدرن به طور خاص با توسل به هرمنوتیک

معنای دوگانه مشخص شده‌اند. از یک سو لیبرالیسم قرار دارد، با انکار کلی یک پیش‌بینی معتبر... از سوی دیگر، دیسپنسیشنالیسم قرار دارد، با پیش‌فرض خود مبنی بر اینکه کلیسا را نمی‌توان با نوشته‌های عهد عتیق پیش‌بینی کرد. سه دلیل اساسی برای حفظ مفهوم معنای واحد (عهد جدید) در مقابل مفهوم به اصطلاح تحقق دوگانه وجود دارد. دلیل اول از ماهیت هرمنوتیک ناشی می‌شود. جان اوون، پیوریتن قرن هفدهم، مدت‌ها پیش این جمله را مطرح کرد: «اگر کتاب مقدس بیش از یک معنی داشته باشد، اصلاً معنایی ندارد.» و اکثر نویسندگان جدیدتر توافق کرده‌اند که تحقق دوگانه با تفسیر عینی ناسازگار است «به عبارت دیگر، منظور اوون این است که اگر متون مقدس بیش از یک معنا داشته باشند، اصلاً معنایی ندارند. این امر هرمنوتیک را غیرقابل تعیین می‌کند. اگر معانی متعددی داشته باشید، معنای متن غیرقابل تعیین می‌شود.

فیربرن می‌گوید منظور واقعی مسیح یک چیز است و اگر چیزهای زیادی وجود داشته باشد، هرمنوتیک نامعین خواهد بود». فیربرن خودش مشاهده می‌کند که چنین رویکردی باعث عدم قطعیت در کاربرد می‌شود و معنا را برای کاربرد عملی بیش از حد کلی می‌کند. «این اولین دلیل او برای این استدلال است که ما باید به دنبال یک معنا باشیم، نه چندین معنا.

## ۲. عهد جدید و معنای واحد

دلیل دوم، شواهد عهد جدید است. «همانطور که لاکهارت، رویکرد قاطع اعمال رسولان ۲:۲۹-۳۱ نسبت به مزمو ۱۶ را اینگونه توصیف کرد: «پطرس رسول استدلال می‌کند که داوود نمی‌توانست به خودش اشاره کند، زیرا او مُرد و فساد را دید، اما او یک پیامبر بود و پیش‌بینی کرد که عیسی بدون فساد زنده خواهد شد... به نظر نمی‌رسد اشتباه در معنای رسول آسان باشد. «تری نتیجه می‌گیرد»: کلمات کتاب مقدس قرار بود یک معنای مشخص داشته باشند، و اولین هدف ما باید کشف آن معنا و پایبندی سفت و سخت به آن باشد... ما این نظریه را که چنین مزامیر مسیحایی... معنای دوگانه دارند و ابتدا به داوود یا حاکم دیگری و سپس به مسیح اشاره می‌کنند، نادرست و گمراه‌کننده می‌دانیم.» در واقع، با خواندن عهد جدید می‌توان با اطمینان گفت که هرگز نمی‌توان به «امکان تحقق دوگانه شک کرد».

## ۳. عهد عتیق و معنای واحد

دلیل سوم برای تحقق واحد، شواهدی از متن عهد عتیق است. برای مثال، فیربرن اذعان می‌کند که اصل «معنای چندگانه او، که اغلب در موارد مشخصی که تلاش می‌شود وجود آن نشان داده شود، با شکست مواجه می‌شود. تری با قاطعیت می‌گوید: «زبان مزمو ۲ برای داوود یا سلیمان یا هیچ حاکم زمینی دیگری قابل استفاده نیست... اشعیا ۷:۱۴ با تولد عیسی مسیح (متی ۱:۲۲) (تحقق یافت و هیچ مفسری تاکنون نتوانسته تحقق قبلی آن را «اثبات کند».

اکنون اشعیا ۷:۱۴ یکی از متونی است که مردم اغلب نتیجه می‌گیرند که یک ارجاع الف اشعیا ۷:۱۴ دوگانه وجود دارد. ارجاع به کودکی که در زمان آحاز و اشعیا متولد شده است، و در عین حال ارجاع به مسیح. اما بین در اینجا استدلال می‌کند که اشعیا ۷:۱۴ یک ارجاع واحد دارد. فقط یک زن وجود دارد که نویسنده می‌تواند به آن اشاره کند. کودکی به دنیا آمده است که خدا با ما بود. حال، باید اعتراف کنم، اگر به متن کامل برگردید و در مورد اشعیا ۷:۱۴ بحث کنید، مشکلاتی در آن وجود دارد. این یکی از دشوارترین بخش‌هاست. نمی‌خواهم امروز وقتم را برای این کار بگیرم، اما به چند نمونه از بخش‌های دیگر نگاه خواهیم کرد.

فکر می‌کنم یکی از بخش‌های واقعاً دشوار، تثنیه ۱۸ است. ما قبلاً به آن نگاه کردیم. حال آیا این ب. تثنیه ۱۸ اشاره به جنبش نبوی است یا به مسیح، یا به نوعی به هر دو؟ البته، یک اشاره غیرمستقیم تاپیلوژیکی وجود دارد که مربوط به تک معنایی است، اما شامل مسیح نیز می‌شود. اما تثنیه ۱۸، اشعیا ۷:۱۴ و آیات آخر ملاکی - اینها دشوار هستند. برخی از سرودهای مزامیر مسیحایی به داوود یا سلیمان و به مسیح اشاره دارند. اما تعداد زیادی از آنها واقعاً دشوار نیستند.

#### تری - حس واحد ۴.

به صفحه ۲۸ در بخش ارجاعات، پایین صفحه و صفحه ۲۹ نگاه کنید. سپس می‌خواهم به چند نمونه از متون نگاهی بیندازم. این متن از کتاب *هرمنوتیک کتاب مقدس میلتون تری است*. این کتاب نسبتاً طولانی و تا حدودی پیچیده است، اما فکر می‌کنم او مسائل را در اینجا به خوبی مطرح کرده است. بنابراین می‌خواستم وقت بگذارم و مستقیماً آن را بخوانم. او می‌گوید: «اصول هرمنوتیکی که اکنون بیان کرده‌ایم، لزوماً این آموزه را که پیشگویی‌های کتاب مقدس حاوی معنای غیبی یا دوگانه هستند، رد می‌کند. برخی ادعا کرده‌اند که از آنجایی که این پیشگویی‌ها آسمانی و الهی هستند، باید انتظار داشته باشیم که معانی متعددی در آنها بیابیم. آنها لزوماً با کتاب‌های دیگر متفاوت هستند. از این رو نه تنها آموزه معنای دوگانه، بلکه آموزه معنای سه‌گانه و چهارگانه نیز پدید آمده است و خاخام‌ها تا آنجا پیش رفتند که اصرار داشتند «کوه‌هایی از معنا در هر کلمه از کتاب مقدس» وجود دارد.

می‌توانیم به راحتی بپذیریم که کتاب مقدس قابلیت *کاربردهای عملی متعددی دارد*؛ در غیر این صورت، آنها برای آموزه، اصلاح و آموزش در پارسایی چندان مفید نخواهند بود. اما به محض اینکه این اصل را بپذیریم که بخش‌هایی از کتاب مقدس حاوی یک معنای غیبی یا دوگانه هستند، عنصری از عدم قطعیت را در کتاب مقدس وارد می‌کنیم و تمام تفاسیر علمی را متزلزل می‌کنیم. دکتر اوون می‌گوید: «اگر کتاب مقدس بیش از یک معنی داشته باشد، اصلاً معنایی ندارد.» «رایل می‌گوید»: «من معتقدم که کلمات کتاب مقدس قرار بوده یک معنای

مشخص داشته باشند و اولین هدف ما باید کشف آن معنا و پابندی سفت و سخت به آن باشد... گفتن اینکه کلمات صرفاً به این دلیل که می‌توانند به زور به معنا تبدیل شوند، معنایی دارند، بی‌شرمانه‌ترین و «خطرناکترین روش برخورد با کتاب مقدس است»

استوارت می‌گوید: «این طرح تفسیر، قوانین رایج زبان را کنار می‌گذارد و نادیده می‌گیرد. کتاب مقدس استثنا می‌کند که در هیچ کتاب، رساله، رساله، گفتمان یا مکالمه‌ای که تاکنون توسط کسی نوشته، منتشر یا خطاب به هموعانش بیان شده باشد (مگر به قصد تفریح یا فریب)، نمی‌توان معنای دوگانه یافت. در واقع، در همه زبان‌ها، معماها، عباراتی با دوگانگی و موارد مشابه وجود دارد؛ پیشگویی‌های بت‌پرستان فراوانی وجود داشته که مستعد دو تفسیر بوده‌اند، اما حتی در میان همه اینها هرگز وجود نداشته و هرگز طرحی وجود نداشته که بیش از یک معنا یا معنی در واقعیت وجود داشته باشد. ابهام زبان ممکن است به طور عمدی برای گمراه کردن خواننده یا شنونده، یا برای پنهان کردن جهل پیشگویان، یا برای تأمین اعتبار آنها در بحبوحه ضرورت‌های آینده، مورد استفاده قرار گرفته و گرفته شده است. اما این کاملاً با موضوع معنای دوگانه جدی و واقعی کلمات بیگانه است. و همچنین نمی‌توانیم لحظه‌ای، بدون نقض شأن و تقدس کتب مقدس، تصور کنیم که نویسندگان الهام گرفته را باید با «نویسندگان چیستان‌ها، معماها، چیستان‌ها و پیشگویی‌های مبهم بت‌پرستان مقایسه کرد»

##### ۵. رویکرد تیپ و ضد تیپ

برخی از نویسندگان این موضوع را با ربط دادن آن به آموزه‌ی نمونه و نمونه‌ی مقابل، اشتباه گرفته‌اند. «حال به کاری که او اینجا انجام می‌دهد توجه کنید». از آنجایی که بسیاری از اشخاص و رویدادهای عهد عتیق، نمونه‌هایی از بزرگترهایی بودند که قرار بود بیابند، بنابراین زبانی که به آنها مربوط می‌شود، قرار است قابلیت دو معنایی داشته باشد «به عبارت دیگر، به جای اینکه نمونه و نمونه، نهادها، اشخاص یا رویدادها باشند - موجودات یا واقعیت‌های ملموس به عنوان نمادهایی که حقیقتی را که نماد آن نهادها، رویدادها یا اشخاص خواهد بود، از پیش نشان می‌دهند - کاری که برخی از مفسران انجام می‌دهند، در واقع صحبت از یک زبان گونه‌شناختی است. این یک تمایز مهم است. ببینید او اینجا چه می‌گوید». برخی از نویسندگان این موضوع را با ربط دادن آن به آموزه‌ی نمونه و نمونه، اشتباه گرفته‌اند. از آنجایی که بسیاری از اشخاص، رویدادهای عهد عتیق نمونه‌هایی از بزرگترهایی بودند که قرار بود بیابند، بنابراین زبانی که به آنها مربوط می‌شود، قرار است قابلیت دو معنایی داشته باشد «بنابراین به عبارت دیگر، زبان، زبان گونه‌شناختی است». قرار بوده است که مزبور دوم هم به داوود و هم به مسیح اشاره داشته باشد، و اشعیا ۷: ۱۴-۱۶ به کودکی که در زمان پیامبر و همچنین مسیح متولد شده است. در مزامیر ۴۵ و ۷۲، قرار است این موضوع اشاره‌ای دوگانه به سلیمان و مسیح و پیشگویی علیه دوم در اشعیا ۳۴: داشته باشد تا داوری کلی روز آخر را نیز درک کند. اما باید توجه داشت که در مورد تیپ‌ها، زبان کتاب ۱۰-۵ مقدس معنای دوگانه‌ای ندارد. خود تیپ‌ها چنین هستند زیرا وقایع آینده را از پیش نشان می‌دهند و این واقعیت باید

از مسئله معنای استفاده از زبان در هر متن خاص متمایز نگه داشته شود.

آیا منظور را می‌فهمید؟ اگر به آن متن تثنیه ۱۸ برگردید، زبانی که در آنجا تثنیه ۱۸ به عنوان یک الگو ۶. صحبت می‌شود چیست؟ می‌دانید نتیجه‌گیری من چه بود. زبان در مورد نهاد نبوت در دوران عهد عتیق صحبت می‌کند، زیرا در متن قبل و بعد از آن در مورد این صحبت می‌کند که نباید به پیشگویان بت‌پرست مراجعه کنید. می‌گوید که از آنها برای تشخیص پیامبران واقعی و دروغین آزمون گرفته می‌شود. چگونه قرار است وحی خدا با موسی از بین برود؟ بنابراین زبان در مورد نظام نبوت صحبت می‌کند. خود نظام نبوت می‌تواند سنخ‌شناختی باشد زیرا اینها ابزارهای انسانی هستند که کلام خدا را بیان می‌کنند. مسیح هم خدا است و هم انسان که کلام خدا را برای ما می‌آورد. بنابراین از نظر سنخ‌شناختی، نهاد نبوت می‌تواند به مسیح اشاره کند، اما این زبانی نیست که می‌بینید، این زبان سنخ‌شناختی نیست. این نهاد نبوت است.

اگر زبان سنخ‌شناختی را بپذیرید، واقعاً این اصل روحانی‌سازی را تری در مورد مزمو ۲ و دیگران ۷. پذیرفته‌اید و سپس می‌توانید با کاری که یانگ در کتاب اشعیا ۱۱ انجام می‌دهد. این کتاب درباره تبعید، بازگشت یهودیان به سرزمین مادری‌شان، واقعیت‌های فیزیکی صحبت نمی‌کند، بلکه فکر می‌کند درباره واقعیت‌های معنوی صحبت می‌کند. این زبان تیپولوژیکی است. تری آن را قبول ندارد، اما چیزی به نام زبان تیپولوژیکی وجود دارد که مشروع است. او می‌گوید: «ما نشان داده‌ایم که زبان موجود در مزمو ۲ برای داوود یا سلیمان یا هیچ حاکم دیگری قابل استفاده نیست. همین امر را می‌توان در مورد مزامیر ۴۵ و ۷۲ نیز گفت. اشعیا ۱۴:۷ در بدو تولد مسیح تحقق یافت و هیچ مفسری تاکنون نتوانسته تحقق قبلی آن را اثبات کند. پیشگویی علیه ادوم، مانند پیشگویی علیه بابل، با پیشگویی آخرالزمانی بسیار پیچیده شده است و هیچ توجیهی برای نظریه حس دوگانه ارائه نمی‌دهد. آیه بیست و چهارم متی، که معمولاً برای حمایت از این نظریه به آن استناد می‌شود، قبلاً نشان داده شده است که هیچ مدرک معتبری از غیب یا حس دوگانه ارائه نمی‌دهد... پیشگویی اول نمونه خوبی است. دشمنی بین نسل زن و نسل مار به هزاران شکل به نمایش گذاشته شده است. سخنان گرانبهای وعده داده شده به قوم خدا کم و بیش در هر تجربه فردی تحقق می‌یابد. اما این حقایق، نظریه معنای دوگانه را تأیید نمی‌کنند. معنا در هر مورد مستقیم و ساده است؛ کاربردها و مثال‌ها بسیارند.» این وعده پیدایش ۳:۱۵ است: «نسل زن، مار را خواهد کوبید. من دشمنی بین نسل تو و نسل او می‌گذارم.» معنا در هر مورد مستقیم و ساده است؛ کاربردها و مثال‌ها بسیارند. چنین حقایقی به ما اجازه نمی‌دهد که با انتظار یافتن دو یا چند معنی در هر جمله خاص، به پیشگویی‌های آخرالزمانی بپردازیم و سپس اعلام کنیم: این آیه به رویدادی در گذشته‌های دور اشاره دارد... این رویداد در ویرانی بابل یا ادوم به طور جزئی تحقق یافت، اما در آینده در انتظار تحقق باشکوه‌تری است.» داوری بابل، یا نینوا، یا اورشلیم، در واقع می‌تواند نمونه‌ای از هر داوری مشابه دیگر باشد، که کاملاً مشروع است، و هشدار

برای همه ملت‌ها و اعصار است؛ اما این با این گفته که زبانی که آن داوری با آن پیش‌بینی شده بود، تنها تا حدی هنگام سقوط بابل، یا نینوا، یا اورشلیم تحقق یافت و هنوز در انتظار تحقق کامل آن است، بسیار متفاوت است. آیا شما از این خط استدلال پیروی می‌کنید؟

اجازه دهید یک مثال برای شما بیاورم. می‌خواستم دو مثال برای شما بیاورم، اما امروز تصویر: دانیال ۸: ۸. وقت نداریم که همه این کارها را انجام دهیم، اما یک مثال از دانیال ۸. آیا کسی از شما با کتاب مقدس قدیمی و اصلی اسکوفیلد آشنا است؟ اگر دانیال فصل ۸ را خوانده‌اید - که فکر می‌کنم فصلی است که در مورد نمونه‌ها صحبت می‌کند - دانیال ۹: ۸ می‌گوید: «از یکی از آنها شاخ کوچکی بیرون آمد که به سمت جنوب به سمت شرق و به سمت سرزمین دلپذیر بسیار بزرگ شد.» یادداشتی در کتاب مقدس اسکوفیلد در مورد آن شاخ کوچک می‌گوید: این پیشگویی در سال ۱۷۵ قبل از میلاد به وقوع پیوست. «بنابراین این اشاره‌ای به این شاخ کوچک در آیه ۹ است. وقتی در این فصل جلوتر می‌روید، متوجه می‌شوید که در آیه ۱۵ آمده است: «من، دانیال، رؤیا را دیده بودم و به دنبال معنی آن بودم، و ناگهان ظاهر مردی در مقابل من ظاهر شد.» سپس او معنی آن را توضیح داد. وقتی به معنی این شاخ کوچک می‌رسید، که در آیات ۲۴ و ۲۵ آمده است، می‌گوید: «او قوی خواهد شد، اما نه با قدرت خودش. او ویرانی‌های شگفت‌انگیزی به بار خواهد آورد. او مردان قدرتمند و قوم مقدس را نابود خواهد کرد. او باعث خواهد شد که فریب به موفقیت برسد. وقتی آنها احساس امنیت کنند، او خود را بزرگ خواهد کرد، اما بسیاری را نابود خواهد کرد. او همچنین در برابر شاهزاده شاهزاده‌ها خواهد ایستاد، اما بدون هیچ بهبودی شکسته خواهد شد.» نکته‌ای که در این یادداشت‌ها آمده این است که آیات ۲۴ و ۲۵ فراتر از آنتیوخوس اپیفانس هستند و آشکارا به شاخ کوچک دانیال ۷ اشاره دارند. و سپس عبارت هم به آنتیوخوس و هم به وحش اشاره دارد، اما وحش به طور برجسته در آیات ۲۴ و ۲۵ دیده می‌شود. بنابراین در تفسیر شاخ کوچک دانیال فصل ۸، که فکر می‌کنم اگر به تمام جزئیات نگاه کنید، اشاره‌ای به آنتیوخوس است، وقتی به تفسیر شاخ کوچک می‌رسید، یادداشت اینجا می‌گوید که آیات ۲۴ و ۲۵ همزمان و با کلمات یکسان هم به آنتیوخوس و هم به دجال صحبت می‌کنند - یک ارجاع دوگانه. در مورد آیات ۱۰-۱۴، که در بخش اول فصل جزئیات بیشتری در مورد آن شاخ کوچک دارید، یادداشت‌ها در مورد آیات ۱۰-۱۴ می‌گویند: «از نظر تاریخی، این در آنتیوخوس و توسط آنتیوخوس به انجام رسیده است، اما آنتیوخوس به معنای شدیدتر و نهایی‌تر، کفر وحشتناک شاخ کوچک دانیال ۷ را به تصویر می‌کشد.» من با این موضوع مشکلی ندارم، چون فکر می‌کنم آنتیوخوس نمونه‌ای از ضد مسیح است، اما کلمات اینجا درباره آنتیوخوس به شما می‌گویند. اما جمله بعدی در یادداشت‌ها این است: «در دانیال ۸: ۱۰-۱۴ اعمال هر دو شاخ کوچک با هم ترکیب می‌شوند.» بنابراین می‌بینید که در توصیف دقیق شاخ کوچک در آیات ۱۰-۱۴، کلمات هم در مورد آنتیوخوس و هم در همان زمان و با همان کلمات در مورد ضد مسیح به کار می‌روند.» کلمات «با هم ترکیب می‌شوند، هر دو در نظر هستند»

در پایان آیه ۱۹ آمده است: «در زمان پایان، چنین خواهد بود «و در یادداشت آمده است»: دو پایان در نظر گرفته شده است. یکی، از نظر تاریخی. پایان یک سوم امپراتوری یونان اسکندر از تقسیماتی که شاخ کوچک آیه ۹ از آن برخاست «این پایان آن دوره یونانی است». اما دو، از نظر نبوتی، پایان زمان غیریهودیان. هر دو پایان در نظر گرفته شده است «زمان پایان، امپراتوری یونان و پایان زمان غیریهودیان است - یک ارجاع مضاعف. بنابراین این یکی از نمونه‌هایی است که برخی از مفسران از این اصل ارجاع مضاعف برای یافتن معنا از اظهارات نبوی استفاده می‌کنند.

دفعه بعد این کار را در تصویر: ملاکی ۴: ۵-۶ می‌خواهم با جزئیات بیشتری به ملاکی ۴: ۵-۶ نگاه کنم و ۹. ابتدای جلسه خود انجام خواهیم داد. اما ملاکی ۴: ۵-۶ بیابید فقط یک دقیقه به آن نگاه کنیم. می‌گوید: «ببینید، من ایلای نبی را قبل از آن روز بزرگ و هولناک خداوند برای شما خواهم فرستاد. او دل پدران را به سوی فرزندان و دل فرزندان را به سوی پدرانشان خواهد گردانید، وگرنه من خواهم آمد و زمین را با لعنت خواهم زد.» نکته جالب اینجاست که شما به این متن در عهد جدید ارجاع می‌دهید و برخی از ارجاعات عهد جدید این پیشگویی را به یحیی تعمید دهنده نسبت می‌دهند. سپس این سوال مطرح می‌شود که با این پیشگویی چه می‌کنید؟ آیا تحقق یافته است یا هنوز تحقق نیافته است؟ آیا در مورد یحیی تعمید دهنده صحبت می‌کند؟ آیا در مورد الیاس صحبت می‌کند؟ آیا این یک حس دوگانه است؟ با آن چه می‌کنید؟ می‌خواهم دفعه بعد با جزئیات بیشتری به آن نگاه کنم و برخی از روش‌هایی را که مفسران با آن برخورد کرده‌اند، برای شما بیان کنم. این یکی از دشوارترین متونی است که به حس دوگانه می‌پردازد.

حالا یک جمله روشن‌کننده و من آن را تمام می‌کنم. من نتیجه‌گیری وانوی در مورد حس دوگانه ۱۰. نمی‌گویم که یافتن حس دوگانه غیرممکن است. من فکر نمی‌کنم که شما باید قواعد تفسیر را از بیرون بیارید و آنها را به کتاب مقدس تحمیل کنید تا با فرمول تفسیری خاصی مطابقت داشته باشد. به نظر من، اگر آیات واضحی وجود دارد که شما را به این روش مورد نظر برای تفسیر کتاب مقدس هدایت می‌کند، خب، باشد. کتاب مقدس باید راهنمای ما باشد. من متقاعد نشده‌ام که آیاتی وجود داشته باشد که شما را مجبور به انجام این کار کند. بنابراین می‌گویم که نباید به دنبال معانی چندگانه به متن بیابید. اگر خود کتاب مقدس شما را مجبور به انجام این کار می‌کند، باشد، اما باید از کتاب مقدس نشان دهید که این روشی است که باید عبارت را درک کنید، که بار اثبات بالایی را به همراه دارد.

رونویسی توسط: کیتی ولی، مت گابسون، ویلیام ماهونی، سارا اوسینسکی، گریس کائینگهام، بکا برول و استیون داوالوس (ویراستار)  
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت

ويرايش نهايي توسط كيتي الس  
روايت مجدد توسط تد هيلدبرانت